

شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور (مطالعه ای با رویکرد گزند تئوری)

جمشید وزیری^۱

علی محمد صفانیا^۲

رضا نیک بخش^۳

علی اصغر درودیان^۴

doi 10.22034/SSYS.2022.484

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۶/۱۷

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور است. روش شناسی در این پژوهش از نوع کیفی (به روش گراند تئوری) بوده و گردآوری داده ها از طریق مصاحبه و بررسی پیشینه های تحقیق صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل صاحب نظران حوزه استعدادیابی و برخی از مدیران ارشد و تصمیم گیرندگان اصلی مدارس سمای کشور بوده که نمونه تحقیق به صورت نظری تعیین و پس از انجام ۱۵ مصاحبه، چارچوب نظریه شکل گرفت. تحلیل داده ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی و با بهکارگیری نسخه ۵/۲ نرم افزار Atlas.Ti انجام گردید. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، شرایط علی تأثیرگذار بر شناخت استعدادها در سه مقوله همراه با هفت زیرشاخه فرعی استخراج شد. در رویکرد شناختی دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عناوین (شناسایی ساختار سازمان سما و بررسی امکانات و منابع)، در رویکرد عملیاتی سه زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان (سیاست های سازمان سما، سیستم جامع نظارتی و بررسی راهبرد های موجود) و در نهایت در رویکرد هنجاری دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عناوین (مسائل انگیزشی و شناسایی ارتباطات موثر) شناسایی گردید- که در مجموع دارای ۶۰ کد بود.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: A.m.safania@gmail.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بدین ترتیب، حصول به هدف نیازمند شناسایی برخی شرایط علی جهت برآورده ساختن و تسهیل شرایط یکسان در کلیه واحدهای سما در کشور است. این شرایط می تواند با بررسی دقیق نیازهای مدارس و دانش آموزان در این زمینه، بر روی بافت سازمان سما اثر بگذارد و منجر به توسعه و پیشرفت در زمینه شناخت استعدادها و کسب موفقیت های وابسته به آن برای مدارس و البته توسعه ورزش کل کشور گردد.

واژگان کلیدی: شرایط علی، استعداد ورزشی، مدارس سما و گراند تئوری

مقدمه

موفقیت کشورها در میداين بين‌المللی ورزشی علاوه بر تأثیرات اجتماعی و اقتصادی، نمادی از ثبات و توانمندی‌های همه جانبه آن کشورها محسوب می‌شود و یکی از علل سرمایه‌گذاری بالای کشورها در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، وابسته به این موضوع است. موفقیت در ورزش قهرمانی در گرو حداقل سه عامل است:

۱. استعداد ذاتی مناسب؛

۲. شرایط روانی مطلوب؛

۳. تسلط بر مهارت‌های تکنیکی.

به گفته بسیاری از مربیان و صاحب‌نظران از بین عوامل یاد شده، استعداد ذاتی یا مادرزادی در اولویت و یکی از مهم‌ترین عوامل در زمینه ورزش قهرمانی است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۶). استعدادیابی^۱، فرآیندی است که از طریق آن نوجوانان و جوانان ارزیابی می‌شوند و به شرکت در رشته‌های مناسب که امید موفقیت بیشتری از آن‌ها می‌رود تشویق و هدایت می‌گردند (بوکرز^۲، ۲۰۱۵). این موضوع، مفهوم تازه‌ای در ورزش نیست و بنا بر شواهد موجود، حدود پنجاه سال است که مربیان به‌طور غیررسمی به استعدادیابی و ارزیابی وضعیت جسمانی و روانی افراد مشغول‌اند؛ اما تا پیش از سال ۱۹۷۰ که کشورهای اروپای شرقی به‌ویژه روسیه، آلمان شرقی و بلغارستان برنامه استعدادیابی داشتند، در هیچ کشوری چنین برنامه‌ای وجود نداشت (تهی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). در سال‌های اخیر شاهد موفقیت‌های پی‌درپی ورزشکاران کشور در رشته‌های ورزشی انفرادی و تیمی در مسابقات جهانی نظیر بازی‌های المپیک بوده‌ایم که بیشتر این موفقیت‌ها به رشته‌های انفرادی ختم می‌گردد و در ورزش‌های تیمی چندان موفق نبوده‌ایم (نوحی و همکاران، ۱۳۹۷). بی‌شک، توجه به استعدادیابی ورزشی بسیار حائز اهمیت است و شروع آن می‌تواند از توجه به ورزش مدارس باشد. چنانچه بتوان اهمیت این امر خطیر را در ورزش کشور به اثبات رساند، در ورزش‌های تیمی نیز موفقیت کسب خواهد شد. استعدادیابی یک موضوع بسیار مهم در ورزش است، زیرا راه رسیدن به قله افتخارات از استعدادیابی می‌گذرد (حاجی محسنی، ۱۳۹۵).

امروزه در دنیا ورزش قهرمانی و تعداد مدال‌های کسب‌شده به‌عنوان یک شاخص توسعه‌یافتگی تلقی می‌شود و موجب غرور ملی مردم کشورهاست. کشورهایی موفق به کسب مدال و رتبه می‌شوند که نقش استعدادیابی در ورزش را به‌خوبی درک کنند و برای این موضوع برنامه و افرادی توانمند، ماهر و دانش‌محور در اختیار داشته باشند (گل‌بین^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). استعدادیابی در ورزش یعنی کشف و به‌فعال‌سازی توانایی‌های بالقوه فرد و هدایت آن‌ها در مسیر صحیح. استعدادیابی ورزشی از نظر دانشمندان علوم ورزشی، راهی کوتاه و مقرون‌به‌صرفه برای حضور موفقیت‌آمیز ورزشکاران در صحنه‌های بین‌المللی است. این فرایند

1. Talent
2. Buekers
3. Toohey
4. Gulbin

نیازمند شناسایی و انتخاب افراد با استعدادی است که شرایط لازم جسمانی، مهارتی و رفتاری برای موفقیت در ورزشی خاص را داشته باشند (کراسیلشچیکو^۱، ۲۰۱۱). در استعدادیابی، خردسالان بر پایه آزمون های معین به سمت ورزش هایی که بیشترین شانس موفقیت در آن را دارند، راهنمایی می شوند. این آزمون ها که بر اساس سطح آمادگی، میزان رشد و توانایی های زنان و مردان طراحی می شوند، می تواند سطح عملکرد آینده افراد در رشته مورد نظر را پیشگویی کنند (بنت^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

با مطرح شدن بحث استعدادیابی در ورزش، بسیاری اولین گام در فرآیند پرورش قهرمانان را استعدادیابی می دانند. کسانی که بر موضوع استعدادیابی تأکید دارند، معتقدند که استعدادیابی صرفه جویی در زمان مورد نیاز برای رسیدن به اوج عملکرد، منابع مالی، انسانی و غیره است (نظری و عابدی، ۲۰۱۳). همچنین کارایی نظام قهرمان پروری را افزایش می دهد، کار مربی، ورزشکار و مدیر را آسان می کند و پشتوانه سازی را ممکن می سازد. امروزه به علت تغییرات سریع، سازمان ها با نیاز به تغییر در نحوه عملکرد خود مواجه می شوند. برای رو به رو شدن با این تغییرات و چالش ها، سازمان ها منابع متعدد و مختلفی را که به آن دسترسی دارند به کار می گیرند. تاکنون استعدادیابی در مدارس بر اساس شاخص های توانایی جسمانی و توانایی حرکتی و توانایی مهارتی صورت گرفته است، اما باید توجه داشت که استعدادیابی باید از سنین پایین آغاز شود، بعضی شاخص های حرکتی نیاز به رشد و تکامل دارند و سنجش این شاخص ها نیازمند امکانات و برنامه های مدون و خاص است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه استعدادیابی در مدارس به چشم اندازی بلندمدت احتیاج دارد و به تبع توسعه، برخورداری از برنامه ریزی بلندمدت و جامع، از ضروریات است؛ برنامه ای که با توجه به نقاط قوت و ضعف ها و توجه به فرصت ها و تهدیدهای موجود در مسیر دستیابی به چشم انداز مطلوب، راهبردها و سیاست های مناسبی را با توجه به مؤلفه ها، برنامه ریزی جامع و برنامه استعدادیابی در کشورهای توسعه یافته طراحی و تدوین نماید (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲).

بررسی رکوردها و نتایج قهرمانان برتر و نخبه جهان مبین آن است که بیشتر رکوردها مربوط به آن دسته نظام های ورزشی است که دارای برنامه ای جامع، علمی و نظام مند برای تربیت ورزشکاران نخبه و سطح بالا هستند. اگر رشد و تکامل انسان را در حقیقت تأمین نیازهای او تلقی کنیم و تأمین نیازهای انسان را نیز زمینه مساعد برای شناخت استعداد و بارور کردن و به شکوفایی رساندن آن ها بدانیم، به این حقیقت پی می بریم که از نظر فلسفی، علمی و تحقیقاتی، حرکت، ورزش، بازی و فعالیت های جسمانی از عوامل مهم تاثیرگذار در رشد و تکامل طبیعی هر فرد می باشند و در مسیر رشد و تکامل انسان باید استعدادهای نهفته در درون او را شناخت و بارور کرد. بنابراین، بهترین محیط برای تحقق این امر مدرسه و بهترین دوره برای بارور کردن آن، دوره نوجوانی و جوانی و یکی از بهترین وسایل برای شکوفا کردن آن ورزش و بازی است (رستمی، ۱۳۹۱).

استعدادیابی در کشور طی سال های اخیر روندی رو به رشد داشته، اما هنوز با مشکلاتی روبه روست. همچنین تعریف معیارهای مناسب برای شناسایی، پرورش و نگهداشت افراد مستعد ورزشی با دشواری هایی

1. Krasilshchikov

2. Bennet

همراه بوده است. از این رو، طراحی مدلی برای مدیران ورزشی در حوزه استعدادیابی، یکی از نیازهای اصلی ورزش کشور است.

یکی از مشکلات اصلی استعدادیابی در ورزش کشورمان، نبود برنامه‌ای مدون یا عدم وجود چشم‌انداز، راهبردهای مناسب و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آینده‌های درخشان در این زمینه است (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۴). به همین سبب، از آنجایی که اداره کل تربیت بدنی سازمان سما تاکنون فاقد برنامه مدون و راهبردی برای مدیریت استعدادیابی در مدارس مربوطه بوده است و اینکه برنامه‌های ورزشی مدارس سما هم به صورت منظم و سیستماتیک و در قالب تقویم ورزشی مستمر سالیانه نمی‌باشد و هر از گاهی به صورت پراکنده چند مسابقه استانی و کشوری آن هم در رشته‌هایی خاص و تکراری برگزار می‌کند، عملاً امکان شناسایی استعدادهای نهفته وجود ندارد. بنابراین لازم است تا سازمان سما مسیری روشن و علمی را جهت مدیریت استعدادیابی در مدارس ورزشی به کار گیرد. ناگفته پیداست همان‌طور که داشتن برنامه و اجرای آن باعث موفقیت و رسیدن به اهداف مدنظر میشود، نداشتن برنامه هم پیامدها و آثار سوئی دربردارد. امروزه با توجه به اهمیت توسعه ورزش و استعدادیابی در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و به منظور پاسخ‌گویی به نیازها و تحلیل دقیق چالش‌ها و مشکلات کنونی در این زمینه بر اساس نیازهای واقعی ورزش کشور، به برنامه‌های جامعی با نگاه و رویکرد راهبردی نیاز داریم. در تحقیق حاضر به این پرسش پاسخ خواهیم داد:

شرایط علی^۱ برای شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور را چگونه می‌توان شناسایی کرد؟
شرایط علی، آن دسته از عواملی هستند که بر پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارند (عظیمی، ۱۳۹۶). پدیده مرکزی در این پژوهش، توسعه و شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور خواهد بود.

تمایل به شناسایی استعدادهای ورزشی در بسیاری از کشورها طی سال‌های اخیر افزایش یافته است (اوروس^۲، ۲۰۱۵). بسیاری از باشگاه‌ها بازیکنان مستعد را در سنین نسبتاً پایین ثبت نام می‌کنند و تحت برنامه‌های تخصصی قرار می‌دهند تا توانایی‌های آنان را تکمیل کنند. بنابراین انتخاب، رشد و راهنمایی حرفه‌ای بازیکنان جوان در صدر اولویت‌های بسیاری از باشگاه‌های درجه اول قرار گرفته است تا بتوانند مقام و وضعیت تجاری و ورزشی شان را حفظ کنند (واینز^۳، ۲۰۰۶). بی‌شک بی‌توجهی به برخی از عوامل یا پیش‌نیازهای اولیه و تعیین‌کننده با عنوان استعدادیابی، اگر چه احتمال موفقیت را ناممکن نمی‌سازد، اما بی‌تردید محدود و ضعیف خواهد کرد. این پیش‌نیازها می‌توانند دارای جنبه آنتروپومتریک، فیزیولوژیک، مهارتی و روانی باشند (قاسمی، ۱۳۹۱). یک برنامه استعدادیابی موفق زمانی کاربرد خواهد داشت که بتواند شاخص‌ها و عوامل موثر تعیین‌کننده و موردنیاز آن رشته ورزشی را به درستی شناسایی کند. با تعیین این عوامل و انتخاب کردن افراد مستعد بر اساس آن‌ها می‌توان انتظار داشت و یا پیش‌بینی کرد که درجه موفقیت ورزشکار مستعد چقدر خواهد بود (کاته^۴، ۲۰۰۸).

1. Causal conditions
2. Orosz
3. Vaeyens
4. Kate

مطالعه تطبیقی کشورهایی که به صورت هدفمند و با استفاده از برنامه‌های نظام مند و جامع استعدادیابی را دنبال کرده‌اند- مانند آلمان شرقی سابق، شوروی سابق، استرالیا، کانادا، آمریکای شمالی، چین، روسیه، ژاپن، کره جنوبی، برزیل، مجارستان، ژاپن، مالزی، قطر و...- نشان می‌دهد که فرایند استعدادیابی به صورت نظام مند، یکپارچه و جامع اجرا می‌شود. در ضمن اطلاعات موجود نشان دهنده کاربردی بودن طرح‌های استعدادیابی در این کشورهاست. هماهنگی میان سازمان‌های مختلف ورزش قهرمانی در اجرای طرح استعدادیابی از دیگر موارد قابل ذکر است (قاسم زاده، ۱۳۹۴). آموزش و پرورش، اصلی‌ترین نهاد مجری استعدادیابی است و باشگاه‌های ورزشی نیز یکی دیگر از مراکز پرورش ورزشکار به حساب می‌آیند. در بیشتر کشورهای مورد بررسی، برنامه‌هایی برای توسعه و ارتقای مربیان وجود دارد و دارای سلسله مراتبی از مدارس ورزش برای پرورش ورزشکار هستند؛ اما شمار اینگونه مدارس در ایران بسیار اندک است. مدارس ورزشی در ایران برای پرورش نیروی متخصص ورزشی ایجاد شده‌اند، اما در مورد پرورش ورزشکار، فعالیت چندانی را انجام نمی‌دهند (عیدی، ۱۳۹۱).

رستمی (۱۳۹۱) در تحقیق پیرامون اهمیت ورزش مدارس در فرایند شناسایی و پرورش استعداد‌های ورزشی پیشنهاد کرد با ارتقای سطح علمی دانش‌آموزان در زمینه ورزش، تشکیل کلاس‌های آموزشی، برگزاری مسابقات مدارس در رده‌های نونهالان، نوجوانان و جوانان در سطوح منطقه‌ای، استانی، ملی و بین‌المللی فرصت‌های خوبی جهت کشف و شکار استعدادها و معرفی به باشگاه‌های مطرح کشور و استان فراهم گردد. پیشنهاد دوم این که دولت برای جلوگیری از اتلاف وقت و صرف هزینه برای افرادی که مستعد یک رشته ورزشی نیستند، مدارسی ایجاد نماید- نه به عنوان یک هنرستان- که دانش‌آموزان تربیت بدنی را به عنوان یک رشته درسی انتخاب کنند. به بیان دیگر، با ایجاد مدارس ورزشی به صورت پایه‌ای، از دوره‌ی ابتدائی یا پیش‌دبستانی، علم و عمل در ورزش به‌ترتیب آموزش داده شود. پیشنهاد سوم این که میان آموزش و پرورش، سازمان‌های مرتبط با اوقات فراغت عمومی، دبیرستان‌های تربیت بدنی، مدارس ورزشی و آموزشگاه‌های فنی ورزشی هماهنگی ایجاد شود.

پیشنهاد چهارم این که در مدارس به اندازه‌گیری‌های پیگیر، توجه به سرعت حرکت، درشتی بالا تنه و برخورداری از ظرفیت قلبی و حداکثر اکسیژن مصرفی بالا به عنوان شاخص‌های استعدادیابی توجه گردد. با توجه به تحقیقات انجام گرفته در زمینه برنامه‌ریزی راهبردی ورزش دانش‌آموزی، بیشتر مؤسسات عالی آموزش و پرورش کشورهای موفق، بیانیه مأموریت و راهبردهایی برای بهتر کردن فرایند استعدادیابی ورزش دانش‌آموزی و فوق برنامه، برای جذب هرچه بیشتر آن‌ها به ورزش و تفریحات سالم دارند، اما در مدارس کشور ما به خصوص در مدارس وابسته به سازمان سما این مسئله مهم تا حد قابل توجهی نادیده گرفته شده است. مسئله اصلی دیگر این است که دانشگاه آزاد اسلامی و به تبع آن سازمان سما با توجه به استعداد‌های چشمگیر در بیشتر رشته‌های ورزشی، تاکنون نتوانسته است جایگاه مطلوبی در زمینه ورزش دانش‌آموزی در کشور پیدا کند که به احتمال زیاد یکی از دلایل مهم آن، نبود برنامه راهبردی مطلوب استعدادیابی و توسعه

ورزش دانش آموزی است.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر در زمینه استعداد یابی و مدیریت استعدادهای ورزشی ضرورتی برای رسیدن به الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفته است، علاوه بر آن که تاکنون پژوهش مشابهی در این زمینه در سازمان سما انجام نشده است.

روش شناسی پژوهش

رویکرد کلی پژوهش حاضر از نوع کیفی می باشد که با استفاده از یکی از راهبردهای آن (روش گراند تئوری) انجام شده است و سعی گردیده تا شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور شناسایی گردد. منظور از شرایط علی، حوادث، وقایع و اتفاقی است که به وقوع یا گسترش پدیده های میانجامد. در انجام تحلیل گراند تئوری، شرایط علی به عنوان عوامل اثرگذار بر پدیده مرکزی معرفی می شوند (فاضلی دینان، ۱۳۹۶).

جهت اجرای روش گراند تئوری از مصاحبه نیمه ساختار یافته به منظور گردآوری داده ها استفاده شد. روند کار به گونه ای بود که بعد از مطالعه و بررسی های فراوان و بهره مندی از نظر مشاوران، سوال های مصاحبه نهایی و مصاحبه ها آغاز گردید و تا حد اشباع داده ها ادامه یافت. به مصاحبه شوندگان اجازه داده می شد تا درباره جزئیات مربوط به موضوع اصلی (شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهکارها و پیامدهای حاصل از شناخت استعداد های ورزشی مدارس سما)، به اندازه شناخت و تجربه های خود نظر دهند. گفتنی است که مدت هر مصاحبه با توجه به میزان تمایل پاسخ دهی شرکت کنندگان بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود.

جامعه آماری پژوهش شامل ۱۵ نفر از افرادی بود که برخی از آن ها در پرورش استعدادیابی و مدیریت راهبردی ورزش کشور در سه حیطه علمی، اجرایی و ورزشی نقش و سابقه داشتند و برخی دیگر جزو مدیران ارشد مدارس سما و دست اندرکاران و تصمیم گیرندگان مدارس سما بودند. برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده گردید. حجم نمونه در حین فرایند تحقیق مشخص گردید، زیرا در پژوهش های کیفی اشباع شدن اطلاعات، مهم تر از تعداد افراد مورد مطالعه می باشد؛ بدین معنی که محقق جمع آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت کنندگان جمع آوری می کند، تکراری شود و اطلاعات جدیدی به اطلاعات قبلی اضافه نگردد- به عبارت دیگر، داده های گردآوری شده به اشباع نظری برسند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۶) با در نظر گرفتن نکات فوق در مجموع در این مطالعه ۱۵ مصاحبه انجام و ضبط گردید.

به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه های انجام شده و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل ها، تمامی مصاحبه ها ضبط و سپس هر مصاحبه به طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شد. پژوهشگر هر مصاحبه ضبط شده و یادداشت های مرتبط با آن را بلافاصله در ۲۴ ساعت اول با دقت و سطر به سطر مطالعه می کرد و مفاهیمی را که به ذهن می رسید، یادداشت می نمود. این مرحله از نخستین مراحل تجزیه

و تحلیل داده‌ها در گراند تئوری است که در اصطلاح «کدگذاری» نام دارد. سپس با استفاده از روش تحلیل داده‌ها که در گراند تئوری تجویز شده و شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی است، اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در «کدگذاری باز»، متن مصاحبه بارها و بارها، سطر به سطر خوانده و برای بخش‌های مهم، هر مفهومی که به ذهن می‌رسید در نظر گرفته شد. سپس بخش‌های مرتبط علامت‌گذاری گردید و به آن‌ها کد و یادداشت تحلیلی، اختصاص داده شد. به گفته صاحب نظران، در کدگذاری باز، پژوهشگر آزادانه و با توجه به دانش ضمنی در زمینه موجود به نامگذاری مفاهیم (کدها) می‌پردازد و محدودیتی برای کدها در نظر نمی‌گیرد. به همین دلیل در پژوهش حاضر و در مرحله کدگذاری باز تعداد ۸۱ کد استخراج گردید، اما به علت تشابه معنایی و تکراری بودن اطلاعات، این کدها در یکدیگر ادغام و تجمیع شد و در نهایت به ۶۰ کد کاهش پیدا کرد.

در مرحله بعد که «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود، فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج شود و شکل‌گزیده به خود گرفت. به بیان دیگر، کدگذاری باز به بروز محورهای مشترکی در مجموعه داده گردآوری شده منجر می‌شود که این محورها به مرحله بعدی کدگذار، جهت‌گیری‌های تازه ای می‌بخشد. در کدگذاری محوری، گام‌های مربوط در سطح مفهومی (کار با مفاهیم) مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مرحله به جفت کردن کدها و یادداشت‌های تحلیلی و هم‌خانواده کردن آن‌ها پرداخته شد و با بررسی ارتباط بین مفاهیم، کدهایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بودند، در یک طبقه جای گرفتند.

در آخرین مرحله که جزء اصلی تئوری به تدریج خود را نشان می‌دهد، پژوهشگر گزیده تر عمل کرد. از این رو، آخرین فصل کدگذاری را «کدگذاری انتخابی» می‌نامند.

در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه شونده‌گان و قرار دادن آن‌ها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آن‌ها تاثیر نگذارد، در جهت افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن پس از انجام هر مصاحبه، اطلاعات به دست آمده تا آن مرحله ارائه گردید و در صورتی که مصاحبه شونده نکاتی را نسبت به آن‌ها مدنظر داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه صورت می‌گرفت تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش فرض و جهت‌گیری انجام شود. علاوه بر این، چهار فعالیت دیگر نیز به منظور افزایش روایی درونی یافته‌ها انجام شد:

۱- استفاده از منابع مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها؛

۲- بررسی داده‌ها توسط یک دستیار؛

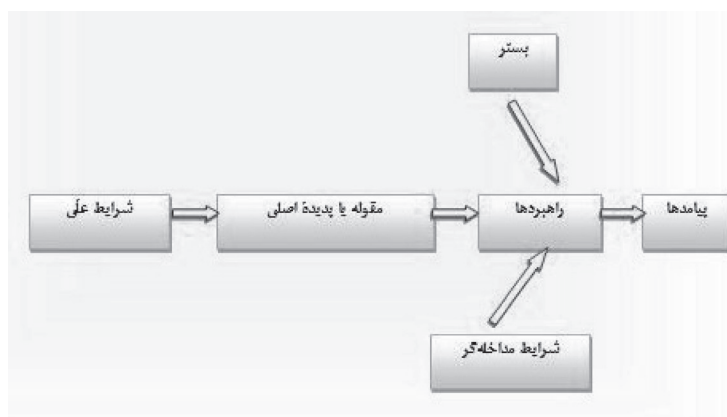
۳- مشارکت یک متخصص آشنا به روش پژوهش داده-بنیاد؛

۴- شناسایی جهت‌گیری‌ها از طریق پرسش‌سوال‌های مکرر در حین تحلیل داده‌ها.

باید گفت از آنجا که مولفه پایایی به گستره تکرار پذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی

پایایی نیست. بنابراین در بحث پایایی پژوهش، باید نشان داد که چگونه داده‌ها گردآوری و کدگذاری شده و استخراج مفاهیم و انتخاب طبقات به چه صورت انجام گرفته است. علاوه بر این، یکی دیگر از راهکارهای تعیین پایایی در پژوهش‌های کیفی انجام کدگذاری مستقل نتایج مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان به صورت تصادفی توسط فردی است که سابقه ذهنی در مورد موضوع ندارد. در همین راستا و به منظور سنجش کیفیت کدگذاری انجام شده، در این پژوهش از روش توافق بین دو کدگذار بر اساس ضریب کاپای کوهن^۱ استفاده گردید و نتایج (ضریب کاپا ۰/۷۴۲) حاکی از رد فرض استقلال کدهای استخراج شده و تایید وابستگی آن‌ها با یکدیگر است. از این رو، می‌توان ادعا کرد که فرایند کدگذاری از پایایی کافی برخوردار بوده است. گفتنی است که مدل مورد استفاده در این پژوهش مدل استخراج شده از نظریه اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) است (شکل ۱) که در آن شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهکارها و پیامدها، با توجه به مقوله اصلی یا پدیده مداخله‌گر، شکل گرفته است.

۲۵۵



شکل ۱: مدل اشتراوس و کوربین

این پژوهش تنها به معرفی شرایط علی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر پدیده مرکزی می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

شرح و بسط شرایط علی در پژوهش حاضر، بر مبنای داده‌های مصاحبه‌ها و حاصل تجزیه و تحلیل ۱۵ مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده است که ابتدا استخراج مفاهیم انجام شد و هرچقدر که یک عامل زمینه‌ای (طبقه به دست آمده) کدهای بیشتری داشته، به همان اندازه سایر جنبه‌های فرعی آن نیز برای وضوح بیشتر شناسایی و مشخص شده‌اند.

1. Cohen's Kappa Value

جدول ۱ : شرایط علی تاثیرگذار بر استقرار مفهوم تدوین چارچوب مدیریت استعدادیابی مدارس سمای کشور

مقوله محوری	زیر طبقه ها (طبقه فرعی)	کدها (مفاهیم)
رویکرد شناختی	شناسایی ساختار سازمان سما	شناسایی نیازها بررسی حدود اختیارات معلمان شناسایی کمبودها بررسی ساختار شناسایی میزان دانش کادر فنی شناسایی بحران ها شناسایی نقاط قوت و ضعف شناسایی مریبان تخصصی شناسایی موانع موجود شناسایی ارتباط دوسویه کادر و اعضا در این زمینه شناسایی قابلیت فعلی مشاوران تیم بررسی اندازه توزیع قدرت دبیران شناسایی توانمندی معلمان تخصصی
	بررسی امکانات و منابع	بررسی زیرساخت مدارس در این زمینه حمایت یکسان از تمامی واحدها حمایت مالی بررسی وضعیت مالی برسی امکانات و تجهیزات کمبود امکانات بررسی منابع موجود فراهم کردن امکانات استفاده عادلانه از امکانات
رویکرد عملیاتی	سیاست های سازمان سما	تعریف مشخص از نیروی متخصص اولویت بندی استعدادیابی در اولویت قرار دادن استعدادیابی نیاز سنجی کل سیستم تقویت بخش رفتاری و عملکردی شناسایی مسیرهای توسعه استعدادیابی شناسایی شرایط جسمی دانش آموزان شناخت محدودیت های عملیاتی تقویت بخش عملکردی تعیین اولویت ها بررسی فضای رقابتی بروز رسانی اطلاعات

مقوله محوری	زیر طبقه ها (طبقه فرعی)	کدها (مفاهیم)
رویکرد عملیاتی	سیستم جامع نظارتی	سیستم ارزیابی مدون بررسی قوانین و مقررات موجود بررسی شرایط فعلی و مقایسه آن با شرایط قبلی مدارس توجه به ضعف عملکرد سازمان در شناخت استعدادها تجزیه تحلیل روند استعدادیابی در مدارس تجزیه تحلیل روند توسعه در تیم نظارت بر تشویق و تنبیه توسعه محور استعدادیابی آگاهی از وضعیت بازیکنان بررسی فضای رشدی بررسی حوزه فعالیت اجرایی مدیران مدارس در حوزه ورزش
	بررسی راهبرد های موجود	تمرکز بر اهداف بلندمدت پذیرش توسعه به عنوان فرایند بلندمدت بررسی وضع موجود اجرائی نشدن برنامه ها شناسایی راهبرد های گذشته
رویکرد هنجاری	مسائل انگیزشی	اولویت بندی مسائل انگیزشی توجه به نیاز کلیه دانش آموزان توجه به بعد انگیزشی کارکنان بررسی بعد انگیزشی دانش آموزان
	شناسایی ارتباطات موثر	بهره گیری از ارتباطات موثر مطالعات تطبیقی استفاده از دستاوردهای حوزه های مختلف ورزشی در این باره استفاده از دانش متخصصین فعال این حوزه بررسی ارتباط سازمان و مدارس نظارت بر ارتباطات متقابل

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه ها به سه مقوله محوری با عناوین رویکرد شناختی، رویکرد عملیاتی و رویکرد هنجاری در راستای شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور منتج گردید.

یافته های حاصل از روش دلفی

در این مرحله ابتدا مفاهیم، مقوله ها و کدهای به دست آمده از کدگذاری باز و محوری به گروه دلفی (۶ نفر) در دور اول ارائه شد و مورد بحث قرار گرفت. سپس بعد از جمع آوری اطلاعات دور اول، با استفاده از نظرات و پیشنهاد های خبرگان تا حدودی اصلاح و در دور دوم دلفی به همان ۶ نفر مرحله اول ارائه گردید. برخی از مفاهیم طبق پیشنهاد خبرگان در مرحله اول دلفی به مدل اضافه و جایجا شدند. گفتمنی است در پرسشنامه دور

اول دلفی، چهار تغییر در عوامل علی ایجاد شد که در نهایت در رویکرد شناختی دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «شناسایی ساختار سازمان سما» و «بررسی امکانات و منابع»، در رویکرد عملیاتی سه زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «سیاست های سازمان سما»، «سیستم جامع نظارتی» و «بررسی راهبرد های موجود» و در رویکرد هنجاری نیز دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «مسائل انگیزشی» و «شناسایی ارتباطات موثر» شناسایی و استخراج گردید.

بحث و نتیجه گیری

پیشرفت از سطوح ابتدایی تا نخبه شدن در ورزش راه بسیار دراز و پر پیچ و خم دارد و نیازمند استعدادیابی می باشد (حاجی محسنی، ۱۳۹۵). شناخت استعداد های ورزشی برای بهره گیری از توانایی بالقوه آنها امری ضروری برای مربیان و متصدیان ورزش هر کشوری محسوب می شود (نوحی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن پیشینه های موجود، شاخص های استخراج شده در مورد شرایط علی تاثیرگذار بر استقرار مفهوم تدوین چارچوب مدیریت استعدادیابی مدارس سمای کشور با سایر نتایج پژوهش های مطرح شده همخوان بوده است. به ویژه این همسویی به شکل ویژه ای در تحقیقات متمرکز شده بر جنبه های مختلف استعدادیابی تاکید داشته اند مانند تحقیقات داودی و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی (۱۳۹۵)، قاسم زاده (۱۳۹۴)، رستمی (۱۳۹۱) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۱).

مطابق با نتایج مستخرج از یافته ها، در مقوله رویکرد شناختی دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «شناسایی ساختار سازمان سما» و «بررسی امکانات و منابع» شناسایی و معرفی گردید که این مهم با تحقیقات اسدی و همکاران (۱۳۹۶)، داودی و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی (۱۳۹۵) و قاسم زاده (۱۳۹۴) همسو بود که در زیر به آن ها اشاره می گردد:

داودی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «الگوی جامع استعداد یابی و جانشین پروری در نظام آموزش عالی استان سیستان و بلوچستان» نشان دادند که بر اساس نظرات خبرگان و تجزیه و تحلیل های صورت گرفته، مدل جامع استعداد یابی و جانشین پروری دارای سطوحی بود که شامل مولفه های بررسی ساختار و فرایند، پست های کلیدی و مدل شایستگی بود که در تحقیق حاضر نیز در مقوله رویکرد شناختی، زیر طبقه شناسایی ساختار سازمان سما جزو اولویت ها قرار گرفت.

نتایج تحقیق قاسم زاده (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی موانع موفقیت و تداوم اجرای طرح ملی استعدادیابی فدراسیون دو و میدانی ایران»، سه مانع در بخش موانع ساختاری از جمله عدم اعتقاد مدیران فدراسیون به فرایند استعدادیابی، سه مانع در بخش موانع تدوین طرح از جمله توجه اندک تدوین کنندگان طرح به قابلیت اجرائی آن و پنج مانع در بخش موانع اجرای طرح از جمله عدم تأمین منابع انسانی متخصص را شناسایی نمود. طبق نتایج این تحقیق، به ترتیب اولویت در بخش ساختاری، مانع ثبات اندک مدیریت در فدراسیون دو و میدانی، در بخش اجرای طرح، تعامل اندک با ورزش آموزشگاهی و در بخش تدوین طرح، گستردگی زیاد طرح بالاترین اهمیت را در عدم موفقیت و تداوم اجرای طرح ملی استعدادیابی دو و میدانی

ایران داشته است که کلیه عوامل به دست آمده با مقوله های این تحقیق در بخش رویکردهای عملیاتی و هنجاری دارای مشابهت بوده است.

حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «شناسایی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدید های استعدادیابی ورزش قهرمانی و تنگناها و چالش های همچون نگاه مدیران و مسئولان ورزش کشور به ورزش مدارس به عنوان پایه ورزش قهرمانی، فعالیت پایگاه های قهرمانی و مراکز استعدادیابی، حضور بخش خصوصی در استعدادیابی ورزش قهرمانی، فعالیت باشگاه های ورزشی در پرورش استعداد، تأثیر مسائل سیاسی بر عملکرد سازمان ها و نهادهای مجری استعدادیابی، فقدان چارچوب مدیریت حمایت از ورزشکاران و مربیان نخبه، فقدان شایسته سالاری در تعیین مدیران و مربیان ورزشی کشور، فقدان طرح یکپارچه، اجرایی و ساختارمند در استعدادیابی، وضعیت اقتصادی معیشتی خانواده های دارای استعداد، محدودیت های حاکم بر فعالیت های ورزشی بانوان، امکانات و تجهیزات مناسب برای استعدادیابی و آمایش و قطب بندی ورزش ها در نقاط مختلف کشور مواجه است. تدوین برنامه راهبردی و انتخاب راهبردهای مناسب به منظور استفاده حداکثری از قوت ها و فرصت ها و برطرف ساختن ضعف ها و تهدیدها و کمک به کاهش آثار برخی از این تنگناها و چالش ها بر عملکرد استعدادیابی در ورزش قهرمانی پیشنهاد می شود که به این موارد به طور خاص در مقوله های رویکرد شناختی، رویکرد عملیاتی و رویکرد هنجاری و زیر طبقات آن ها به صورت تخصصی اشاره شده است.

حسین پور (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع استعدادیابی ورزشی بین دانش آموزان در مدارس» بیان کردند که با توجه به مشکلات فوق بحث استعدادیابی در مدارس عملاً اقدامی بیهوده می باشد که فقط در مرحله حرف باقی مانده است. البته ما منکر این اصل که بعضی با تلاش و علاقه خود به صورت طبیعی پرورش می یابند، نیستیم. آموزش و پرورش و متولیان ورزش کشور باید با همکاری بین بخشی، امکانات را برای استفاده دانش آموزان فراهم آورند. وقتی دانش آموزی مستعد تشخیص داده شد، راه ورود به باشگاه ها برای او ناهموار است که تنها با نداشتن مشکل اقتصادی قابل حل است. در ورزش های غیر فوتبال باید کانون هایی ایجاد گردند تا دانش موزان زیر نظر مربیان کارآموده، مهارت ها را فرا گیرند و بتوانند به سطوح بالای ورزشی نائل آیند. در صورت توجه و به کارگیری توانایی مدارس، در دراز مدت می توان با کمترین هزینه به بهترین گزینه رسید. مدیریت و برنامه ریزی صحیح می تواند مراحل کشف تا پرورش و به کارگیری استعدادها را به بهترین شکل هدایت کند و در راه نیل به اهداف کلان کشور در امور ورزش استفاده برد. اقدامات زیر تا حدودی می تواند مشکلات را حل و به مقوله استعداد یابی در ورزش کمک نمایند:

- ایجاد کانون ها ورزشی و اختصاص سالن ورزشی برای معرفی شدگان از طرف مدرسه برای هر رشته؛
- انتخاب مربیان مجرب از بین دبیران تربیت بدنی برای آموزش مهارت های هر رشته؛
- دوری از کاغذبازی و ارائه گزارشات صوری و اقدام عملی در ایجاد انجمن های ورزشی و رفع

مشکلات ورزش مدارس؛

- معرفی مستعدین در هر رشته به هیئت های شهرستان، استان و در نهایت فدراسیون های ملی؛
- برنامه ریزی صحیح و اصولی با پشتوانه های علمی و قابل تحقق در زمینه پرورش استعدادها در ورزش مدارس.

همانطور که مشاهده می شود، نتایج پژوهش حاضر در بسیاری از طبقات فرعی با نتایج به دست آمده در این پژوهش هم راستا بوده است.

گلبین (۲۰۱۰) و کراسیلیشیکو (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافتند که موانع مالی و کمبود بودجه در سازمان های ورزشی کشورها و به تبع آن در عرصه استعدادیابی ورزشی آن ها از مهم ترین دلایل کم توجهی به مسئله استعدادیابی می باشد که این عوامل با مقوله رویکرد عملیاتی و طبقه فرعی بررسی امکانات و منابع در این پژوهش هم راستا بوده اند.

تهی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که پیشرفت در زمینه گسترش استعدادیابی ورزشی با دانش بنیان شدن علم ورزش و همچنین استفاده از محققان بین رشته ای که در این مورد اقدام کرده اند، امکان پذیر است. به همین موضوع در مقوله رویکرد هنجاری و طبقه فرعی شناسایی ارتباطات موثر در این پژوهش اشاره شده است.

بیکرز (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «استعدادیابی در ورزش: یافتن یک سری عوامل در مورد قهرمانان آینده» بیان می کند که بهترین برنامه تشخیص استعداد بی فایده خواهد بود مگر اینکه در آن از فرایندی با کیفیت بالا از طریق طراحی عالی برنامه های آموزشی تضمین شده باشد که در آن مربیان و معلمان نقش مهمی را بازی کنند. بنابراین، تعامل و همکاری مربیان و دانشمندان، فرصت های بزرگ برای پیشبرد دانش در شناسایی استعداد ارائه می دهد این عوامل با مقوله رویکرد هنجاری و رویکرد عملیاتی و طبقات فرعی آن ها در این پژوهش همسو بوده است.

در این پژوهش، بررسی شرایط علی موجود که به شناخت استعداد های ورزشی مدارس سما ی کشور کمک می کند مورد توجه قرار گرفت؛ شرایطی که در صورت اجرای فرایندها، اقدامات و راهبردهای لازم می تواند به توسعه استعداد یابی مدارس سما ی کشور منجر شود. هر کدام از شاخص های استخراج شده دارای کدهای اثر گزار به شرح زیر است:

۱. مهمترین مواردی که در طبقه «شناسایی ساختار سازمان سما» می توان به آن اشاره کرد، عبارت اند از: شناسایی نیازها، بررسی حدود اختیارات معلمان، شناسایی کمبودها، بررسی ساختار، شناسایی میزان دانش کادر فنی، شناسایی بحران ها، شناسایی نقاط قوت و ضعف، شناسایی مربیان تخصصی، شناسایی موانع موجود، شناسایی ارتباط دوسویه کادر و اعضا در این زمینه، شناسایی قابلیت فعلی مشاوران تیم، بررسی اندازه توزیع قدرت دبیران و شناسایی توانمندی معلمان تخصصی. مشخص شدن این زیر شاخه ها بدین معناست که شناسایی ساختار سازمان سما به عنوان یک بخش اساسی در شناخت استعدادهای ورزشی دارای اهمیت است.

۲. در طبقه «بررسی امکانات و منابع» به بررسی زیرساخت مدارس در این زمینه، حمایت یکسان از تمامی واحدها، حمایت مالی، بررسی وضعیت مالی، بررسی امکانات و تجهیزات، کمبود امکانات، بررسی منابع موجود، فراهم کردن امکانات و استفاده عادلانه از امکانات اشاره گردید. در پژوهش های قبلی نیز به اهمیت تاثیر منابع مالی و امکانات بر استعدادیابی ورزشی اشاره شده است.
۳. در طبقه «سیاست های سازمان سما» به ارائه تعریف مشخص از نیروی متخصص، اولویت بندی استعدادیابی، در اولویت قرار دادن استعدادیابی، نیاز سنجی کل سیستم، تقویت بخش رفتاری و عملکردی، شناسایی مسیرهای توسعه استعدادیابی، شناسایی شرایط جسمی دانش آموزان، شناخت محدودیت های عملیاتی، تقویت بخش عملکردی، تعیین اولویت ها، بررسی فضای رقابتی و بروز رسانی اطلاعات اشاره گردید. این امر نشان می دهد که تصمیم گیری های درست و به موقع از طرف سازمان سما به عنوان نهاد تصمیم گیرنده ارشد، تاثیر مهمی بر عامل استعدادیابی ورزشی مدارس دارد.
۴. در بخش «سیستم جامع نظارتی»، به مسئله مهم سیستم ارزیابی مدون، بررسی قوانین و مقررات موجود، بررسی شرایط فعلی و مقایسه آن با شرایط قبلی مدارس، توجه به ضعف عملکرد سازمان در شناخت استعدادها، تجزیه تحلیل روند استعدادیابی در مدارس، تجزیه تحلیل روند توسعه در تیم، نظارت بر تشویق و تنبیه، توسعه محور استعدادیابی، آگاهی از وضعیت بازیکنان، بررسی فضای رشدی و بررسی حوزه فعالیت اجرایی مدیران مدارس در حوزه ورزش اشاره شد که یکی از مهمترین شرایط علی برای شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور می باشد.
۵. در بخش «بررسی راهبرد های موجود»، تمرکز بر اهداف بلندمدت، پذیرش توسعه به عنوان فرایند بلندمدت، بررسی وضع موجود، اجرایی نشدن برنامه ها و شناسایی راهبرد های گذشته جهت توسعه استعدادیابی معرفی شد.
۶. در طبقه «مسائل انگیزشی»، به اولویت بندی مسائل انگیزشی، توجه به نیاز کلیه دانش آموزان، توجه به بعد انگیزشی کارکنان و بررسی بعد انگیزشی دانش آموزان پرداخته شد.
۷. در بخش «شناسایی ارتباطات موثر» نیز به بهره گیری از ارتباطات موثر، مطالعات تطبیقی، استفاده از دستاوردهای حوزه های مختلف ورزشی در این باره، استفاده از دانش متخصصان فعال این حوزه، بررسی ارتباط سازمان و مدارس و نظارت بر ارتباطات متقابل پرداخته شد.
- بی تردید، تمام این پیامدها مثبت و بیانگر مطلوبیت بررسی موضوع استعدادیابی ورزشی مدارس سمای کشور می باشند. با توجه به مشکلات و موانع دائمی موجود بر سر راه توسعه استعدادیابی و اهمیت و تاثیر این مسئله بر روی آینده ورزشی کشور، توجه کافی به آن می تواند گامی مثبت در جهت رشد تک تک دانش آموزان و در نهایت توسعه استعدادهای ورزشی مدارس مربوطه گردد. از این رو، سازمان سما باید شرایط علی مناسب برای توسعه استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور را به طور ویژه مد نظر قرار دهد.

منابع

- اسدی، نوید؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، نصرالله و علی دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «بررسی موانع استعدادیابی در ورزش ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۲۳-۳۲.
- حاجی محسنی، مبین. (۱۳۹۵). «بررسی نقش ورزش مدارس در فرآیند شناسایی و پرورش استعداد های ورزشی دانش آموزان». دومین همایش ملی دستاوردهای نوین تربیت بدنی و ورزش. ۲۴ و ۲۵ شهریورماه ۱۳۹۵ / دانشگاه بین المللی چابهار.
- حسقلی پور، طهمورث؛ سید جوادین، سید رضا؛ روستا، احمد و خانلری، امیر. (۱۳۹۱). «مدل ارزیابی فرایند مدیریت ارتباط با مشتری در بانک های خصوصی تجاری کشور». فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات. دوره ۴، شماره ۱۰.
- حسینی، سید شاهو؛ حمیدی، مهرداد؛ قربانین، آسیه و سجادی، نصر الله. (۱۳۹۲). «شناسایی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدید های استعدادیابی ورزش قهرمانی و تنگناها و چالش های فرآروی آن». مدیریت ورزشی. شماره ۱۷، صص ۲۹-۵۴.
- حسینی، سید شاهو؛ حمیدی، مهرداد؛ قربانین، آسیه و سجادی، نصر الله. (۱۳۹۲). «بررسی و شناسایی عوامل راهبردی استعدادیابی در ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران». مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. ۲۵-۲۶ مهر، تهران.
- داودی، سیدعلی؛ یعقوبی، نورمحمد و ایمانی، عبدالمجید. (۱۳۹۶). «الگوی جامع استعدادیابی و جانشین پروری در نظام آموزش عالی استان سیستان و بلوچستان». نشریه پژوهش های مدیریت عمومی. دوره ۱۰، ش ۳۸، صص ۲۵۱-۲۷۶.
- رستمی، علیرضا. (۱۳۹۱). اهمیت ورزش مدارس در فرآیند شناسایی و پرورش استعداد های ورزشی.
- عیدی، حسین؛ عباسی، همایون و عسگری، بهمن. (۱۳۹۱). «تحلیل مسیر استعدادیابی ورزشی در کشورهای منتخب». مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. ۲۵-۲۶ مهر، تهران.
- فاضلی دینان، فاطمه. (۱۳۹۶). «طراحی مدل توسعه قابلیت های مدیران نخبه در سازمان های ورزشی منتخب کشور (مطالعه ای با رویکرد گزند تئوری)». رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شمال آمل.
- قاسم زاده میرکلانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «بررسی موانع موفقیت و تداوم اجرای طرح ملی استعدادیابی فدراسیون دو و میدانی ایران». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۱۴، صص ۳۵-۴۷.
- قاسمی، حمید. (۱۳۹۱). «بررسی میزان پوشش "استعدادیابی ورزشی" در برنامه های رادیویی ایران». کتابچه دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. ص ۶۵.
- نوحی، محمد؛ شهبلائی باقری، جواد؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۷). «تعیین فاکتورهای فرایند استعدادیابی: یک مطالعه اکتشافی در ورزشکاران رزمی». فصلنامه علمی پژوهشی وزارت ورزش و جوانان. شماره ۴۱، صص ۳۰۴-۳۱۷.
- Bennet, KJM. Vaeyens, R. Franssen, J. (2018). "Creating a framework for talent identification and development in emerging football nations". Science and Medicine in Football, Volume 3, 2019- Issue 1.
- Buekers. M. (2015). "Talent in sports. Some reflections about the search for future champions Movement & Sport Sciences". Science & Motricit'e, 88, 3-12.

- Creswell, J.W. (2007). **Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches**. 2nd edition.
- Gulbin, J. P., Oldenziel, K. E., Weissensteiner, J. R., Gagne, F. (2010). “**A look through the rear view mirror: Developmental experiences and insights of high performance athletes**”. *Talented Development and Excellence*, 12(2), pp: 55-64.
- Kate, Vrljic & Clifford, J. Mallett. (2008). “**Coaching knowledge in identifying football talent**”. *International Journal of Coaching Science*.
- Krasilshchikov, O. (2011). “**Talent recognition and development-elaborating on a principle model**”. *International Journal of Developmental Sport Management*, 1(1), pp: 24-33.
- Nazari, R., Abedi, H. P. (2013). “**Development of perspectives and strategic planning in sport**”. *Management and Administrative Sciences Review*, 2(2), pp: 104-113.
- Patton, M. Q. (1990). **Qualitative Evaluation and Research Methods**. (2nd edition) Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998) **Basics of Qualitative Research**. Second Edition, London: Sage Publications.
- Toohey, K. MacMahon, C. Weissensteiner, J. (2018). “**Using transdisciplinary research to examine talent identification and development in sport**”. *Sport in Society*, Volume 21, 2018- Issue 2.